

سنجش پایداری اجتماعی در محلات پراکنده‌رو (مطالعه موردی: محله شادآباد تهران)

مصطفی توانا* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
فرشاد نوریان - دکترای شهرسازی، معاون پژوهشی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، رئیس قطب علمی شهرسازی و توسعه شهری پایدار،
دانشیار دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۳

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۰۹/۰۶

چکیده

در سال‌های اخیر، پایداری اجتماعی به‌عنوان یکی از اجزای اصلی توسعه پایدار به شکل فزاینده‌ای به رسمیت شناخته شده است. پژوهش‌های پیشین درباره توسعه پایدار به‌طور عمده بر مسائل مربوط به محیط‌زیست و مسائل اقتصادی متمرکز بودند، اما در اواخر دهه‌های ۱۹۹۰ و پس از تدوین دستور کار ۲۱ و راهبرد اتحادیه اروپا در لیسبون ۲۰۰۰ و جلسه شورای اروپا در شهر گوتنبرگ در سال ۲۰۰۱، پایداری اجتماعی در دستور کار مباحث پایداری، یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه پایدار در شهر و محلات شهر معرفی شده است. هدف این مقاله، سنجش عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات پراکنده‌روی شهر (محله شادآباد تهران) است که بر اثر توسعه افقی شهر تهران در سال‌های اخیر به‌وجود آمده‌اند. بدین منظور، از روش تحلیل عاملی و ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از تعداد ۳۰۸ پرسشنامه و برداشت میدانی از محله شادآباد استفاده شده و عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی از دو بعد عینی و ذهنی ارزیابی شده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ای مانند مهاجرت و ناتوانی اقتصادی که از ویژگی‌های ذاتی شکل‌گیری محله شادآباد هستند، در پایداری اجتماعی محله شادآباد نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. همچنین براساس نتایجی که از تحلیل عاملی به‌دست‌آمده، سطح پایین پنج عامل سرمایه اجتماعی، رضایتمندی فردی، رضایت از محله، کنش اجتماعی و حس تعلق در محله شادآباد، به‌عنوان عوامل اصلی پایین‌بودن پایداری اجتماعی محله شناسایی شدند.

واژه‌های کلیدی: پایداری اجتماعی، پراکنده‌گویی، توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی، شادآباد.

مقدمه^۱

در دو دهه اخیر، مفهوم پایداری اجتماعی^۲ به یکی از مدل‌های جدید توسعه درآمده و با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و سیاسی توسعه ترکیب شده است. مؤلفه‌هایی که آن‌ها را «ابعاد» یا «پایه‌های» توسعه پایداری می‌نامند و محققان اجتماع محلی، هرکدام از نظر خود به میزان متفاوتی به آن توجه کرده‌اند. درحقیقت مباحث مربوط به توسعه پایداری، در ابتدا وابسته به مسائل محیط‌زیستی بود و پس از آن توجه به مسائل اقتصادی نیز در آن گنجانده شد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ موضوعات اجتماعی برای اولین بار در دستور کار مباحث توسعه پایداری قرار گرفت. به‌ویژه پس از تدوین دستور کار ۲۱، تدوین راهبرد اتحادیه اروپا در لیسبون در سال ۲۰۰۰^۳ (معروف به EC ۲۰۰۰) و در جلسه شورای اروپا در شهر گوتنبرگ در سال ۲۰۰۱^۴ مورد توجه قرار گرفتند. در نتیجه، مطالب محدودی درباره پایداری اجتماعی وجود دارد، به طوری که بررسی‌های منظم و سیستماتیک درباره این مفهوم وجود ندارد.

این مقاله با مروری بر ادبیات مفهوم پایداری اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن سعی دارد تا عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی را در بافت‌های پراکنده روی شهری شناسایی کند. بدین منظور، ابتدا به حوزه‌های پایداری اجتماعی در محلات شهری پرداخته شده و سپس تأثیرات پراکنده روی شهری بر این حوزه‌ها بررسی شده است.

مفهوم پایداری اجتماعی به‌طور عمده با ابعاد کیفی همراه است و با مفاهیمی مانند زندگی انسانی و احساس رفاه ارزیابی می‌شوند. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبود بخشی سرمایه اجتماعی، یعنی شکل‌دهی جوامع همگن و یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی، جامعه‌ای دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف و تابع عشق و وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود (گودلند، ۲۰۰۳: ۱-۶).

محله شادآباد دارای بافتی بسیار نامتراکم است؛ به طوری که بیش از ۷۰ درصد از مساحت محله را اراضی کشاورزی اشغال کرده است. بافت پراکنده روی محله، بافتی غیرمنسجم، با رشدی تقریباً بدون برنامه و ساختار کالبدی نامنظم که بیشتر محل زندگی افراد مهاجر است و برای کار و زندگی بهتر راهی تهران شده‌اند. ساختار اجتماعی آنومیک و گسسته که پیوندهای اجتماعی در آن ضعیف است و در کنار شرایط کالبدی و اقتصادی نامناسب، پتانسیل بالایی در ناپایداری اجتماعی در شهر تهران دارد. از این رو، محله شادآباد تهران واقع در منطقه ۱۸ تهران، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در زمینه پایداری اجتماعی انتخاب شد.

مبانی نظری

از دهه ۱۹۹۰، توسعه پایداری به شهرها توجه ویژه نشان می‌دهد و برای اولین بار مفاهیمی مانند «شهر پایدار»^۵ و «محله پایدار»^۶ وارد فرهنگ لغت شهرسازی جهان می‌شود و تلاش برای شناسایی مؤلفه‌های شهر و محله پایدار آغاز شد. در این زمینه، مؤلفه‌هایی مانند موضوعات فضایی، اکولوژیکی، انرژی و مسائل اجتماعی جایگاه مهمی پیدا می‌کنند. یکی از موضوعات اصلی در بحث شهر پایدار، بررسی رابطه بین اشکال مختلف توسعه شهر و پایداری است. نقد توسعه شهر به

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصطفی توانا در رشته برنامه‌ریزی شهری با عنوان «سنجش رابطه آسیب‌های اجتماعی با عوامل محیطی در بافت‌های پراکنده رو و مرکزی شهر تهران» به راهنمایی جناب آقای دکتر فرشاد نوریان دفاع شده و در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

2. Social Sustainable
3. EU Lisbon Strategy 2000
4. European Council Meeting in Goteborg in 2001
5. Sustainable Urban
6. Sustainable Neighborhood

شیوه پراکنده‌رو^۱ از مهم‌ترین بحث‌ها در این زمینه است. توسعه پایدار، شهر پراکنده را به لحاظ زیست‌محیطی، اقتصادی و البته اجتماعی نقد کرده است. ائتلاف زمین‌های حاشیه شهر در مسائل زیست‌محیطی، هزینه‌های گزاف خدمات‌رسانی به محلات تازه شکل‌گرفته در حاشیه شهر در مسائل اقتصادی و تراکم پائین جمعیتی و مسائل اجتماعی ناشی از آن در زمینه اجتماعی از جمله موارد مورد نقد توسعه پایدار نسبت به پراکنده‌روی شهری است.

به‌طورکلی پیچیدگی مفهوم توسعه پایدار و پیچیدگی مفهوم پایداری اجتماعی، کار بررسی توسعه پایدار و پایداری اجتماعی را مشکل کرده است. مطالعات زیادی در زمینه توسعه پایدار و مؤلفه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی انجام شده است، اما کمتر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که تنها پایداری اجتماعی را مدنظر داشته باشد و آن را در محیط شهری بررسی کرده باشد. در این زمینه پژوهش‌های تجربی نیز انجام شده است. برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، شامل موارد زیر است:

پوتنام در آثار اخیر خود مدعی است که عملکرد اقتصادی-اجتماعی در جوامع پایدار به مراتب قوی‌تر از جوامع غیرپیوسته است؛ بنابراین، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به معنای انسجام و اعتماد بین شبکه‌ای، بستر ساز افزایش کارایی‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد بود (پوتنام، ۲۰۰۰). وی در بررسی نواحی ایتالیا قبل و بعد از اصلاحات منطقه‌ای ۱۹۷۰، به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی بالاتر نواحی شمالی در دوره‌های مختلف، زمینه‌ساز توسعه‌یافتگی بیشتر این نواحی شده است (حسنوی و پزشکان، ۱۳۸۶). در همین رابطه، بوهیان و اورز در پژوهشی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و پایداری شهری را تأیید کردند (بوهیان و اورز، ۲۰۰۵).

پژوهشی که به‌وسیله خاکپور و دیگران (۱۳۸۵) با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای» انجام گرفت، به دلیل معناداری یا نزدیک به معنادار بودن ارتباط بین برخی از متغیرهای سرمایه اجتماعی با پایداری، توجه به مفهوم ذهنی سرمایه اجتماعی شرط انکارناپذیر تحقق مفهوم عینی پایداری است. در مقاله «تحلیل فضایی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری» نوشته موسوی و دیگران بیان شد که توسعه از طریق ابعاد متعدد خود، سرمایه اجتماعی را محقق می‌کند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی نیز مانند پدیده‌ای نیرومند از طریق سطوح ماهوی خود، زمینه ایجاد توسعه پایدار را فراهم می‌کند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱).

در ادبیات و چارچوب نظری، تعریف جامع و منسجمی برای مفهوم «پایدار اجتماعی» وجود ندارد و به‌نظر نمی‌رسد در آینده نزدیک بتوان به آن دست یافت. دلیل این امر، چندوجهی بودن ماهیت مفهوم پایداری و تلاش آن برای درهم‌آمیختن موضوعات اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی و تبدیل آن‌ها به یک ماهیت مستقل واحد است (2007 RICS).

توسعه پایدار به دارایی‌های فردی و اجتماعی، قوانین و فرایندهای توانمندسازی افراد و محلات مربوط می‌شود؛ به‌طوری‌که انسان‌ها بتوانند در بلندمدت برای کسب دستاوردهای عادلانه، مکفی و قابل‌وصول اقتصادی براساس استانداردهای زندگی، مشارکت داشته باشند و بتوانند نیازهای فردی خود را در مرزهای مشخص مکان یا کالبد، به‌صورت یک جزء و این سیاره به‌صورت یک کل برآورده سازند. در سطح عملی، پایداری اجتماعی ریشه در بهبود ابعاد اجتماعی در سطح فرد و اجتماع دارد. همان‌طور که در جدول زیر آمده، دامنه آن از ظرفیت‌سازی و افزایش مهارت‌های انسان تا نابرابری‌های فضایی و محیطی در تغییر است.

جدول ۱. حوزه‌های پایداری اجتماعی در شهر

حوزه اصلی موضوع	بعد
دسترسی به نیازهای محله و جامعه محلی ارتقای فرهنگی مدیریت دانش هویت محله‌ای یا اجتماع محلی درک از محله عدالت و برابری در دسترسی به خدمات و امکانات کیفیت زندگی امنیت رفاه	اجتماعی
ظرفیت‌سازی مشارکت و توانمندسازی اعتماد سازمان‌های داوطلبانه و شبکه‌های اجتماعی درون محلی	اجتماعی-نهادی
امنیت اقتصادی اشتغال فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی	اجتماعی-اقتصادی
بهداشت محیط‌زیست مسکن مناسب حمل و نقل نابرابری زیست‌محیطی و فضایی	اجتماعی-محیط‌زیست

منبع: کلاتینیو، ۲۰۰۷

پایداری اجتماعی

از نظر لیتیگ و گریسلر^۱ و از دیدگاه جامعه‌شناسی، پایداری اجتماعی کیفیتی از جامعه است. در واقع، پایداری اجتماعی ماهیت روابط اجتماعی است که از طریق کار و روابط درون جامعه به وجود می‌آید. پایداری اجتماعی در صورتی در جامعه وجود دارد که کار در جامعه و ترتیب نهادی مرتبط با آن، مجموعه نیازهای انسان را برآورده سازد. در نهایت، ماهیت و ظرفیت بازتولید آن در بلندمدت حفظ شود و هنجارهای مورد نیاز انسان از عدالت اجتماعی، شأن انسانی و مشارکت را شکل دهد (لیتیگ و گریسلر، ۲۰۰۵: ۷۲).

پل و استرن^۲ با توجه خاص به مسائل محیط شهری تعریف جامع‌تری از پایداری اجتماعی داده‌اند:

توسعه (رشد) با آهنگ پیشرفت و تکامل جامعه مدنی سازگار است. شرایط محیطی را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کند که تمام گروه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف جامعه به‌طور هماهنگ رشد کنند و هم‌زمان از طریق بهبود کیفیت زندگی برای تمام بخش‌ها و گروه‌های جامعه، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند (پل و استرن، ۲۰۰۰: ۱۵-۱۶).

اجزای اصلی تشکیل‌دهنده پایداری اجتماعی از دیدگاه «بینز و مورگان»^۳ و «سینر و دیگران» عبارت‌اند از:

۱. برآوردن نیازهای اصلی انسان؛

۲. غلبه بر ناتوانایی‌هایی که مربوط به ناتوانایی فردی است؛

۳. رشد مسئولیت فردی، شامل مسئولیت اجتماعی و توجه به نیازهای نسل‌های آینده؛

1. Littig and Griesler

2. Pol and Stern

3. Baines and Morgan

۴. حفظ و افزایش موجودی سرمایه اجتماعی، به منظور رشد اعتماد، هماهنگی و همکاری مورد نیاز برای ایجاد و حمایت نهادهای مدنی؛

۵. توجه به توزیع برابر فرصت‌های توسعه در زمان حال و آینده؛

۶. به رسمیت شناختن تفاوت‌های جوامع و فرهنگ‌های مختلف و رشد بردباری اجتماعی؛

۷. توانمندسازی مردم برای مشارکت در شرایط مورد توافق دوجانبه تأثیرگذار بر انتخاب برنامه‌های توسعه و تصمیم‌گیری درباره آن.

پایداری اجتماعی از نظر اهداف توسعه پایدار به نوعی از توسعه یا رشد گفته می‌شود که با تکامل تدریجی جامعه مدنی، رشد فرصت‌ها و مزایای زیست‌محیطی برای سازگاری اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، تشویق ترکیب اجتماعی با بهبود در کیفیت زندگی، برای همه اعضا جامعه مطابقت داشته باشد. این تعریف، پایداری اجتماعی را از دو بعد نقش اجتماعی جامعه و مسائل فردی کیفیت زندگی در نظر می‌گیرد.

پایداری اجتماعی با عنوان زندگی سالم، بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی، در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی است (GTZ, 2004: 2).

در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین‌کننده اشاره کرده‌اند که شامل عدالت اجتماعی^۱، همبستگی اجتماعی، مشارکت^۲ و امنیت هستند. مؤلفه‌هایی مانند فرصت‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌هایی برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی، به همراه امنیت امرارمعاش و ایمنی سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته‌اند (DFID, 2002: 2).

مفهوم پایداری اجتماعی به‌طور عمده با ابعاد کیفی همراه است و با مفاهیمی مانند زندگی انسانی و احساس رفاه ارزیابی می‌شود. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبودبخشی سرمایه اجتماعی، یعنی شکل‌دهی جوامع همگن و یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی، جامعه‌ای دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف، تابع عشق و وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود. سرمایه اجتماعی به حقوق برابر انسان‌ها، فرهنگ‌ها و همچنین حفظ ارزش‌هایی که چنین شرایطی را در جوامع انسانی می‌پروراند، گفته می‌شود (گودلند، ۲۰۰۳: ۶-۱).

در نهایت، می‌توان گفت در تعریف پایداری اجتماعی بر خواست مردم به زندگی در مکانی معین اشاره می‌شود و بر توانایی آن‌ها در استمرار چنین روندی تأکید می‌شود (لانگ، ۲۰۰۳: ۵). بررسی‌ها نشان می‌دهند که شناخت پایداری اجتماعی با مفاهیم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه است و با مؤلفه‌هایی مانند قابلیت دسترسی به خدمات، مسکن مناسب، امنیت، درآمد و میزان محرومیت سنجیده می‌شود (برایدن، ۲۰۰۲: ۹). در ادامه به بررسی میزان تأثیرگذاری بافت پراکنده‌روی شهر و براساس مفاهیم و مؤلفه‌های استخراج‌شده از پایدار اجتماعی در این قسمت پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر تأکید بر مدل پایداری اجتماعی مورد تأکید بر جامعه شهری انگلستان است که در سال ۲۰۰۶ با عنوان ODPM است. براساس سند نهایی ODPM مفهوم جوامع پایدار می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای یکسان‌سازی تمامی

اصول به‌کارگرفته‌شده در شهرها باشد. در این سند، هسته مؤلفه‌های جوامع پایدار را نشان می‌دهد. موفقیت سیاست‌گذاری جوامع پایدار، به تعامل مؤثر برنامه‌ریزی فضایی، حمل‌ونقل، مسائل اقتصادی، محیط‌زیست و سایر سیاست‌گذاری‌های مداخله وابسته است.

جدول ۲. رویکرد محلات پایدار براساس رویکرد پایداری (بريستول آگورد)

بعد	حوزه اصلی موضوع
تعریف پایداری اجتماعی	اجتماع پایدار مکان‌هایی هستند که مردم می‌خواهند برای حال و آینده در آنجا کار و زندگی کنند. در این مکان‌ها، نیازهای ساکنان فعلی و آینده برآورده می‌شود؛ آن‌ها نسبت به محیط‌زیستشان حساس هستند؛ و در بهبود کیفیت زندگی خود مشارکت دارند. این مکان‌ها امن و امکانات آن‌ها فراگیر است؛ ساختمان‌ها به‌خوبی طراحی شده‌اند و فرصت‌های برابر و ارائه خدمات مناسب برای همه وجود دارد.
اجزای اجتماع پایدار	اجتماعات پایدار اصول توسعه پایدار را تضمین می‌کنند. این کار را از طریق موارد زیر انجام می‌دهند: برقراری توازن و انسجام مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی اجتماع محلی؛ برآورده‌ساختن نیازهای نسل کنونی و آینده؛ احترام نیازهای سایر جوامع در مقیاس بزرگ‌تر یا در مقیاس بین‌المللی برای پایداری اجتماع خود.
هشت ویژگی کلیدی اجتماعات پایدار	۱. فعال، گیرا و امن: جوامعی منصف، بردبار، با رعایت احترام نسبت به سایر افکار و عقاید، با انسجام قوی فرهنگی و سایر فعالیت‌های مشترک اجتماعی؛ ۲. اداره مناسب: مشارکت مؤثر و فراگیر در امور، مشارکت و رهبری؛ ۳. حساس به محیط‌زیست: تأمین مکان‌هایی برای زندگی مردم با توجه با ملاحظات محیط‌زیستی؛ ۴. طراحی مناسب و ساختمان: کیفیت ساختمان و محیط‌زیست طبیعی؛ ۵. ارتباطات مناسب: خدمات و شبکه حمل‌ونقل مناسب برای تسهیل ارتباط با شغل، مدرسه، خدمات بهداشتی و سایر خدمات؛ ۶. پیشرفت: شکوفایی و اقتصاد محلی متنوع؛ ۷. خدمات مناسب: با خدمات مناسب عمومی، خصوصی، اجتماع محلی و داوطلبانه براساس نیازهای مردم و قابل‌دسترس برای همه؛ ۸. منصف و بی‌طرف نسبت به همه: رعایت انصاف و بی‌طرفی نسبت به تمامی جوامع در زمان حال و آینده.

منبع: OPMD, 2006

پایداری اجتماعی و پراکنده‌رویی شهری

موضوع مهم درباره پایداری شهری، شامل موضوعات فضایی، اکولوژیکی و تا حدی موضوعات اجتماعی است. در تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، به بررسی رابطه بین اشکال شهر و مسئله پایداری می‌پردازند. در این بررسی‌ها بیشترین توجه به مسئله تراکم شهری است (براملی و دیگران، ۲۰۰۶). در بیشتر این تحقیقات انجام‌شده، به مباحث مربوط به «شهر متراکم^۱» و «مناطق شهری پراکنده^۲» و «پراکنده‌رویی شهری» توجه شده و در بسیاری از آن‌ها، تراکم بالا در شهرهای متراکم سبب بهبود سیستم حمل‌ونقل عمومی، بهبود دسترسی به امکانات، خدمات شهری و کاهش جدایی شهری می‌شود (بارتون، ۲۰۰۰).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، میزان تراکم بر سطح تعامل ساکنان شهر تأثیرگذار است، البته نتایج آن بر پایداری اجتماعی نواحی شهری نامشخص است. برخی از محققان معتقدند که تراکم بالای شهری، تعامل اجتماعی را آسان می‌کند (تالن، ۱۹۹۹)؛ درحالی‌که برخی نیز معتقدند روابط اجتماعی و احساس تعلق به محله یا یک اجتماع در نواحی که تراکم جمعیت آن بالاست، پایین‌تر از سایر نواحی است که تراکم پایین دارند (فریمن، ۲۰۰۱).

1. Compact City
2. Scattered Areas

در سال‌های اخیر توسعه پایدار، به انتقاد از پراکنده‌روی شهری پرداخته و این شیوه شهرسازی را از منظر زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی نقد کرده است. در این میان پایداری اجتماعی یکی از موضوعات اصلی و مورد توجه در نقد پراکنده‌روی شهری است؛ درحالی‌که اثرات اجتماعی پراکنده‌روی، جهت بررسی بسیار مشکل هستند. شواهد زیادی برای ناپایداری این بعد وجود دارد که شامل موارد زیر هستند: ۱. کاهش عدالت اجتماعی در شهر، ۲. تأثیر منفی بر سلامت، ۳. از بین رفتن جوامع محلی در مرکز شهر، ۴. جدایی‌گزینی اجتماعی، ۵. قطبی‌شدن و ناتوانی در سازگاری با تغییرات سبک زندگی، که نشان‌دهنده تأثیر پراکنده‌روی بر ناپایداری اجتماعی است (کلی، شوارتز و دیگران، ۲۰۰۴). در ادامه به تشریح کامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های اثرگذار پراکنده‌روی شهری بر پایداری اجتماعی پرداخته می‌شود.

الف) جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی

بررسی دیدگاه‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که در شهر فشرده، جوامع جدایی‌گزینی کمتری نسبت به شهرهای گسترده و اسپرال دارند. برخی از نظریه‌پردازان حوزه برنامه‌ریزی شهری معتقدند که در اطراف شهرهای کم‌تراکم نوعی جدایی‌گزینی اجتماعی-اقتصادی از نظر فرهنگ، سطوح درآمدی، نژادی و... وجود دارد. در یک شهر فشرده با تراکم بالا و کاربری ترکیبی، محلات با احتمال بیشتری با هم آمیخته می‌شوند و در نتیجه، سطح پایین‌تری از جدایی‌گزینی اجتماعی دارند. به‌طور کلی، گسترش افقی شهر با سطح بالای جدایی‌گزینی اجتماعی و زوال مرکز شهر مرتبط است (بارتون، ۲۰۰۵).

ب) کاهش دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها و تسهیلات شهری

یکی از ابعاد مهم پایداری اجتماعی، برابری اجتماعی^۱ است. در اینجا منظور از برابری اجتماعی، دسترسی برای همه شهروندان به انواع خدمات شهری، زیرساخت‌ها و تسهیلات است. در نتیجه، در تراکم‌های بالا و شهرهای فشرده‌تر، دسترسی به انواع خدمات شهری مانند آب، برق، گاز، وسایل حمل‌ونقل عمومی، خدمات بهداشتی-درمانی، آموزشی و همچنین دسترسی به اشتغال و مسکن قابل‌استطاعت بالاتر است (براملی و دیگران، ۲۰۰۹: ۱۳۲). یکی از مهم‌ترین علل، نداشتن صرفه اقتصادی برای اجرا و تهیه انواع خدمات شهری در شهرهای گسترده است. به‌عبارتی دیگر، در شهرهای با تراکم پایین و توسعه پراکنده، خدمات و تأسیسات شهری در حد استاندارد وجود ندارد؛ زیرا جمعیت کمی در سطح وسیعی از فضا قرار دارند و خدمات‌رسانی سخت و پرهزینه خواهد بود.

ج) کاهش سرمایه اجتماعی و کاهش تعامل اجتماعی بین شهروندان

سرمایه اجتماعی، عضویت و مشارکت در گروه‌ها می‌تواند پیامدهای مثبتی برای افراد و جامعه داشته باشد (پورتز، ۱۹۹۸: ۲). جین جیکوبز اولین کسی بود که به موضوع سرمایه اجتماعی در کتاب «مرگ و حیات شهرهای بزرگ امریکا» پرداخت. او سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منبعی می‌داند که موجب مدیریت رسمی و غیررسمی جامعه می‌شود (جیکوبز، ۱۹۶۹: ۱۴۴). وی همچنین سه سطح از شبکه‌های اجتماعی را برمی‌شمرد: ۱. خیابان‌های شهری، ۲. سطح بخش‌ها، ۳. سطح شهر به‌عنوان یک کل. روابط اجتماعی موجود در سطح خیابان‌ها برای زندگی شهری اساسی و ضروری است، اما اجتماعات این سطح قدرت سیاسی و منابع لازم برای حل بسیاری از مشکلات را ندارند؛ بنابراین، این مشکل با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در مقیاس جغرافیایی بالاتر و ارتباط شبکه‌های اجتماعی خیابانی با همدیگر حل می‌شود.

1. Social Equity

2. The Death and Life of Great American Cities

وی معتقد است که شبکه‌های اجتماعی برای شکل‌گیری و گسترش، به زمان نیاز دارند و همچنین به تعداد زیادی از مردم که در داخل این شبکه‌ها زندگی و کار می‌کنند نیز نیاز است (Ibid: 138).

سرمایه اجتماعی به‌عنوان روشی برای اجرا و تنظیم سیاست‌های توسعه پایدار شناخته شده است (اوسلن و لیستر، ۲۰۰۴: ۴).

در جوامع با درجه مشارکت بالا، شهروندان معتقدند که از حقوق و مسئولیت بیشتری برای مشارکت در امور جمعی برخوردارند. وجود شبکه‌های اجتماعی متراکم ممکن است، موجب به‌وجودآمدن هنجارهای اجتماعی و مشارکت بیشتر شود (مور، ۲۰۰۰). دانشمندان زیادی از جمله پوتنام (۲۰۰۰) نیز بحث کرده‌اند که تراکم پایین، سرمایه اجتماعی و به‌دنبال آن کنش، متقابل اجتماعی را کاهش می‌دهد.

د) از بین رفتن هویت محله‌ای و کاهش حس تعلق مکانی

گلین، ناسر و جولیان به این نتیجه رسیده‌اند که حس مکان در مناطقی که رابطه متقابل وجود دارد، بالاتر است (گلین، ۱۹۸۱، ناسر و جولیان، ۱۹۹۵). در این میان، بحثی نیز وجود دارد که در جوامع با تراکم بالاتر مردم ممکن است از رابطه اجتماعی صرف‌نظر کنند و استرس بیشتری را تجربه کنند. این دیدگاه‌های متضاد، رابطه غیرخطی را بیان می‌کند. تراکم توسعه همچنین ممکن است بر نمای ظاهر و زیبایی‌شناسی مکان‌ها تأثیر بگذارد؛ بنابراین، بر حس پیوستگی مردم و حس مکانی تأثیر می‌گذارد.

یکی دیگر از مباحث کلیدی در بحث هویت محله‌ای و حس تعلق، تداوم سکونت در محله و بومی‌بودن افراد ساکن در محله است. از آنجایی که پراکنده‌رویی با مهاجرت رابطه تنگاتنگی دارد و افراد ساکن در این محلات اغلب مهاجر هستند، می‌توان گفت این ضعف اجتماعی همواره با پراکنده‌رویی شهری همراه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی اثرات پراکنده‌رویی بر پایداری اجتماعی

منبع: نگارندگان

مدل بالا عوامل اثرگذار پراکنده‌رویی شهری بر آسیب‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. نکته شایان توجه این است که عوامل بالا، بیشتر در پراکنده‌رویی در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه مطرح است؛ زیرا پراکنده‌رویی در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا، با شیوه‌ای متفاوت از این کشورها اتفاق می‌افتد. اصلی‌ترین تفاوت در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، اجبار است. در کشورهای در حال توسعه، افراد از روی اجبار و افزایش جمعیت در

کلان‌شهرها به مناطق خارج شهر می‌روند؛ درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته افراد برای داشتن زندگی بهتر، آرامش بیشتر و فاصله‌گرفتن از آلودگی‌های شهرهای بزرگ به حومه شهر، پناه می‌برند و به انتخاب خود در این مکان‌ها ساکن می‌شوند؛ بنابراین، عوامل و شاخص‌های آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است.

روش پژوهش

محلۀ شادآباد واقع در شهرداری منطقه ۱۸ تهران، ناحیۀ ۴ است. این محلۀ از شمال به خیابان سعیدآباد از جنوب به بلوار معلم، از شرق به خیابان صاحب‌الزمان-نارون (محلۀ شمس‌آباد) و از غرب به مسیل کن محدود می‌شود. مساحت محلۀ بالغ بر ۵/۳۹۵ هکتار (۸/۷ درصد کل مساحت منطقه) و جمعیت آن ۱۶،۴۱۰ نفر با تراکم جمعیتی ۳۲،۶۶۹ نفر در هکتار است (طرح تفصیلی منطقه ۱۸، دفتر خدمات نوسازی بافت فرسوده منطقه ۱۸، ۱۳۹۲).

بررسی ساختار کالبدی و فضایی محلۀ، نشان‌دهندۀ این امر است که کاربری زراعی با بیش از ۵۰ درصد بیشترین سهم از مساحت محلۀ را به خود اختصاص داده است. کاربری مسکونی در محلۀ به‌صورت لکه‌های پراکنده با تراکم فشرده، تنها کمتر از ۱۱ درصد از مساحت محلۀ را اشغال کرده است و ۱۱/۳ درصد از اراضی محلۀ به‌صورت بایر و شبکۀ دسترسی و معابر موجود در محلۀ نیز بیش از ۱۱ درصد از مساحت محلۀ را به خود اختصاص داده‌اند.

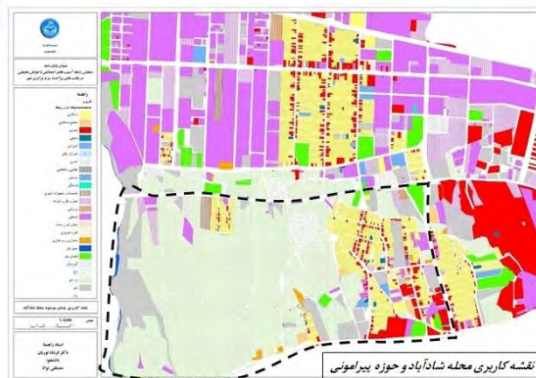
محلۀ شادآباد اگرچه نسبت به محله‌های دیگر ناحیۀ ۴ قدمت کمتری دارد، اما به‌دلیل رشد سریع، به‌مرور زمان دارای هویت مستقل شده است. این محلۀ، بر بسیاری از عناصر شهری سایر محلات ناحیۀ ۴ تأثیر گذاشته، به‌طوری‌که تمام بانک‌های محلۀ ۱۷ شه‌ریور با نام شعبۀ شادآباد ثبت شده‌اند و بازار آهن که در محلۀ امام خمینی قرار دارد، به نام بازار شادآباد در تهران شهرت یافته است.

بررسی تاریخچه محلۀ شادآباد نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری اولیه محلۀ، استفاده از معدن شن و ماسه رودخانه کن است. اسکان کارگران در کنار معدن، هسته اولیه شکل‌گیری محلۀ شادآباد محسوب می‌شود. مهاجرت، یکی از شاخص‌های اصلی در شکل‌گیری این محلۀ است؛ به‌طوری‌که بیش از ۸۰ درصد ساکنان این محلۀ در شهری خارج از تهران متولد شده‌اند و بیشتر آن‌ها دو قومیت آذری و لری را تشکیل می‌دهند.



تصویر هوایی محلۀ شادآباد

موقعیت منطقه ۱۸ در شهر



نقشه کاربری محلۀ شادآباد و حوزه پیرامونی

شکل ۲. نقشه موقعیت محلۀ در تهران

منبع: نگارندگان

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از حیث روش، تحقیق توصیفی-تحلیلی است و با توجه به ماهیت موضوع و شاخص‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش از نوع پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه مستقیم با شهروندان است. جامعه آماری پژوهش براساس فرمول کوکران است که ۳۷۵ نفر از ساکنان محله شادآباد تهران تعیین شده که تعداد ۳۰۸ پرسشنامه پس از بررسی قابل استناد است و در پژوهش به کار گرفته می‌شود. پرسشنامه در دو قسمت تهیه شده است. قسمت نخست شامل متغیرهای مستقل شامل سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، نوع مسکن و میزان درآمد است. قسمت دوم شامل متغیرهای وابسته، مربوط به پایداری اجتماعی است که در قالب لیکرت پنج‌تایی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) و پنج معیار کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش تعاملات اجتماعی، از بین رفتن هویت محله، دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها و سطح کیفیت زندگی تنظیم شده است. در تحلیل اطلاعات به دست آمده، از نرم‌افزار SPSS و روش‌های تحلیل عاملی^۱ و ضریب همبستگی پیرسن استفاده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های پایداری اجتماعی در محلات شهری

بعد	مفهوم	معیار	شاخص
عینی	برابری اجتماعی	دسترسی به خدمات، تسهیلات شهری	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، پارک، خدمات بهداشتی درمانی، خدمات آموزشی، مسکن و...
		درون‌گروهی	تأکید بر منابع شخصی محدود مانند پیوندهای خانوادگی، همسایگی و دوستی
سرمایه اجتماعی	برون‌گروهی	عضویت در شبکه‌ها و انجمن‌های محلی و غیرمحلی	
		ارتباطی	پیوند افراد با قدرت‌های سیاسی و رسمی و مشروعیت دولت محلی بین شهروندان
		همبستگی اجتماعی	نوع رفتار شهروندان با یکدیگر، میزان همبستگی سکنه محله در انجام امور مربوط به محله، میزان و نحوه کمک ساکنان محله در هنگام مشکلات
ذهنی	کنش متقابل اجتماعی	انسجام اجتماعی	میزان اعتماد و یکپارچگی ساکنان محله در انجام امور
		تعامل‌پذیری	اهمیت به برقراری رابطه ساکنان با هم، دیدگاه شهروندان نسبت به تعامل فردی و گروهی در محله
		مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مسئولیت‌پذیری در انجام امور محله
		اعتماد اجتماعی	اعتماد به نهادهای رسمی، اعتماد بین شهروندان و ساکنان محله
کیفیت زندگی	تعلق مکانی	رضایت‌مندی	رضایت از مسکن، درآمد، شغل، میزان دسترسی به خدمات، میزان آسایش شهروندان
		ثبات سکونت	سابقه سکونت در محله، علاقه و تمایل به سکونت در محله
		تعلق مکانی	تعلق محله، امید به آینده بهتر محله، وجود سمبل و نشانه خاص در محله، اصیل بودن محله
		امنیت	نبود ناامنی و رفتارهای ضداجتماعی در محله، احساس امنیت و آسایش، نبود فضاهای ناامن در محله

منبع: نگارندگان

بحث و یافته‌ها

در گام اول تجزیه و تحلیل به معرفی معیارها و شاخص‌های پایداری اجتماعی که از مطالعه منابع مختلف به دست آمده است، پرداخته می‌شود. تمامی مطالعاتی که درباره تعیین شاخصه‌های پایداری اجتماعی انجام گرفته‌اند، در دو سرفصل

شاخص‌های عینی و ذهنی طبقه‌بندی شده‌اند (وگت و کوردز، ۲۰۰۲: ۱۴). در این زمینه، به دلیل ماهیت و دشواری سنجش شاخص‌های ذهنی و پایداری اجتماعی مطالعات زیادی انجام نشده است. به طور کلی می‌توان گفت که پایداری اجتماعی، با اجزای اصلی آن یعنی کیفیت زندگی، سنجش و ارزیابی می‌شود که از مواردی مانند تأمین شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با امنیت، آسایش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید می‌آید (یوسفی، ۲۰۰۳). در تبیین و ارزیابی پایداری اجتماعی شاخص‌هایی مانند احساس بهتر بودن، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، دیگران و اجتماع، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی، کیفیت محیط پیرامونی زندگی برای زیست، میزان رضایت از درآمد، نوع شغل یا رضایت شغلی و... ارزیابی می‌شوند (پورطاهری و دیگران، ۱۳۸۸). جدول ۳ مهم‌ترین شاخص‌های تبیین‌کننده پایداری اجتماعی را در محلات پراکنده‌روی شهری نشان می‌دهد.

پس از مرحله شناسایی شاخص‌ها، برای تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ای با طیف پنج تایی لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد که براساس شاخص‌های فوق تنظیم شده است و برداشت میدانی محله از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. مقدار آزمون KMO^1 برابر ۰/۷۱۹ است که استفاده از روش تحلیل، عاملی را برای پذیرش نشان می‌دهد (بالای ۰/۶ استفاده از تحلیل عاملی را ممکن می‌داند). در جدول زیر مقدار ویژه و درصدی از واریانس که هر عامل توضیح می‌دهد، نشان داده می‌شود. در جدول ۴، گویه‌هایی (سطرها) که در هر ستون (عوامل) بیشترین رابطه همبستگی را با یکدیگر داشته‌اند و در یک عامل قرار داده شده‌اند و بدین ترتیب، پنج عامل معرفی شدند که مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک دارند و حدود ۷۰ درصد از تغییرات را توضیح می‌دهند.

جدول ۴. مقدار ویژه نخستین عامل‌ها

مؤلفه یا عامل	کل	واریانس (درصد)	درصد تجمعی واریانس
۱	۵/۴۸۸	۳۰/۴۹۰	۳۰/۴۹۰
۲	۲/۹۰۴	۱۶/۱۳۲	۴۶/۶۲۲
۳	۱/۵۳۶	۸/۵۳۴	۵۵/۱۵۷
۴	۱/۴۹۸	۸/۳۲۱	۶۳/۴۷۸
۵	۱/۰۸۵	۶/۰۳۰	۶۹/۵۰۵

منبع: نگارندگان

در مرحله بعد به نام‌گذاری عامل‌ها پرداخته می‌شود که به نوعی یکی از مهم‌ترین و دشوارترین مراحل در تحلیل عاملی است. برای نام‌گذاری عامل، از بار عاملی استفاده می‌شود که نشان‌دهنده همبستگی بین عوامل و متغیرها است. در نام‌گذاری عوامل، امتیازهای بالا ۰/۴ ملاک عمل قرار می‌گیرند (زبردست، ۱۳۸۷). در جدول زیر ماتریس، عاملی دوران یافته و امتیاز بار عامل مربوط به هر متغیر نشان داده می‌شود.

جدول ۵. ماتریس دوران یافته‌ها

متغیر	عوامل				
	۵	۴	۳	۲	۱
احترام به هنجارهای اجتماعی	-۰/۰۷۸	۰/۶۰۸	۰/۲۳۱	-۰/۰۲۵	۰/۲۷۸
عضویت در انجمن‌های محلی	۰/۰۵۶	۰/۸۹۶	۰/۰۲۰	-۰/۱۰۸	-۰/۰۸۷
همبستگی شهروندان در انجام امور محله	۰/۰۲۵	۰/۳۷۸	۰/۰۲۲	-۰/۰۸۵	۰/۷۳۲
کمک کردن به همسایگان در هنگام مشکلات	-۰/۳۰۵	۰/۱۰۵	-۰/۲۵۲	-۰/۰۳۵	۰/۶۷۰
یکپارچگی شهروندان در حل امور مربوط به محله	۰/۰۰۹	۰/۰۹۸	-۰/۰۲۶	-۰/۰۹۶	-۰/۸۲۱
اهمیت برقراری رابطه با هم‌محلی‌ها	۰/۲۶۷	۰/۳۸۱	-۰/۰۳۵	-۰/۱۴۷	۰/۶۸۶
مسئولیت‌پذیری شهروندان در انجام امور محله	۰/۵۹۱	۰/۱۵۶	-۰/۰۹۲	-۰/۴۰۸	-۰/۵۳۰
اعتماد به شورایی‌ها و انجمن‌های موجود در محل	۰/۱۹۲	-۰/۳۱۳	۰/۲۹۰	-۰/۰۴۴	۰/۷۷۹
رضایت از مسکن خود	۰/۰۵۱	۰/۲۸۱	-۰/۷۹۹	-۰/۲۳۶	-۰/۰۸۳
رضایت از میزان درآمد	۰/۲۶۹	۰/۲۹۰	۰/۸۳۳	-۰/۰۶۸	۰/۰۶۷
رضایت از شغل	-۰/۰۵۸	۰/۱۶۹	-۰/۸۱۵	-۰/۱۵۳	-۰/۱۷۴
رضایت از میزان دسترسی به خدمات شهری	۰/۰۵۴	۰/۰۹۹	۰/۱۸۰	۰/۶۷۸	۰/۱۴۱
رضایت از آسایش در محله	۰/۴۳۶	-۰/۰۱۹	-۰/۳۲۱	-۰/۴۷۹	-۰/۱۳۰
رضایت از سکونت در این محله	۰/۰۶۰	۰/۲۷۷	۰/۶۰۳	-۰/۳۶۷	-۰/۰۷۶
حس تعلق به محله	۰/۶۱۹	۰/۱۵۲	-۰/۲۴۳	-۰/۴۵۱	۰/۳۰۷
رضایت از سرزندگی و فعال بودن محله	-۰/۱۱۷	۰/۰۵۰	-۰/۰۵۱	-۰/۸۸۹	-۰/۰۵۳
رضایت از تراکم ساختمانی در محله	۰/۲۲۳	۰/۲۱۹	-۰/۲۲۴	۰/۷۸۵	۰/۰۰۴
رضایتمندی از محله	۰/۰۱۰	۰/۲۴۷	-۰/۴۷۱	-۰/۵۶۲	-۰/۰۶۰

منبع: نگارندگان

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده شد، پنج عامل مشخص شده‌اند که نام‌گذاری آن‌ها به ترتیب است. لازم به یادآوری است که پرسش‌ها در پرسشنامه به صورت منفی تدوین شده‌اند؛ بنابراین، عامل‌های به دست آمده، عواملی هستند که پایین‌ترین سطح را در بین عوامل دیگر داشته‌اند.

۱. عامل کنش اجتماعی: این عامل که ۳۰/۴۹ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد، مهم‌ترین عامل در پایداری اجتماعی محله شادآباد است. با مشاهده ماتریس، عاملی دوران یافته درمی‌یابیم که این عامل دارای ارتباط نزدیک و معنادار با متغیرهای زیر است:

همبستگی شهروندان در انجام امور محله، کمک کردن به همسایگان در هنگام مشکلات، یکپارچگی شهروندان در حل امور مربوط به محله، اهمیت برقراری رابطه با هم‌محلی‌ها، اعتماد به شورایی‌ها و انجمن‌های موجود در محل؛

۲. عامل رضایتمندی از محیط سکونتی: عامل دوم که به لحاظ میزان واریانس توضیح داده شده است، اختلاف معناداری با عامل اول دارد و تنها ۱۶/۱۳۲ از کل واریانس را توضیح می‌دهد. این عوامل، شامل متغیرهای رضایت از میزان دسترسی به خدمات شهری، رضایت از آسایش در محله، رضایت از سکونت در محله، رضایت از سرزندگی محله، رضایت از تراکم محله و در مجموع رضایت کلی از محله است؛

۳. عامل رضایتمندی فردی: این عامل که با متغیرهای رضایت از مسکن، رضایت از میزان درآمد و رضایت از شغل تعریف می‌شود، ۸/۵۳ درصد از واریانس کل را توضیح می‌دهد؛

۴. عامل سرمایه اجتماعی: این عامل که با متغیرهای احترام به هنجارهای اجتماعی و بنیان‌های اخلاقی در محله و عضویت در انجمن‌های محلی تعریف می‌شود، ۸/۳۲۱ درصد از واریانس جمعی را توضیح می‌دهد؛

۵. عامل حس تعلق: این عامل که تنها ۶/۰۳ درصد از واریانس کلی را توضیح می‌دهد شامل متغیرهای حس تعلق و مسئولیت‌پذیری شهروندان در انجام امور محله است.

در گام بعدی برای مشخص شدن عوامل زمینه‌ای مؤثر در میزان پایداری اجتماعی و همبستگی متغیرهای به‌دست‌آمده در جدول با دو عامل مهاجرت و توان اقتصادی ارزیابی شده است. برای این منظور از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول زیر نشان‌دهنده میزان همبستگی و نوع رابطه هریک از متغیرها با مؤلفه‌های مهاجرت و توان اقتصادی است.

جدول ۶. نتایج میزان همبستگی عوامل استخراج‌شده، با دو عامل فقر و مهاجرت با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون

عامل	متغیر	مهاجرت		توان اقتصادی	
		همبستگی با مهاجرت	ارتباط با مهاجرت	همبستگی با اقتصاد	ارتباط با توان اقتصادی
کنش اجتماعی	همبستگی شهروندان در انجام امور محله	۰/۱۹۳	معنی‌دار و منفی	۰/۱۱۸	معنی‌دار
	کمک کردن به همسایگان در هنگام مشکلات،	۰/۲۱۷	بسیار معنی‌دار و منفی	۰/۰۷۹	معنی‌ندارد
	یکپارچگی شهروندان در حل امور مربوط به محله	۰/۲۰۸	بسیار معنی‌دار و منفی	۰/۰۲۶	معنی‌ندارد
	اهمیت برقراری رابطه با هم‌محلی‌ها	۰/۱۹۶	معنی‌دار و منفی	۰/۰۶۶	معنی‌ندارد
	اعتماد به شورایی‌ها و انجمن‌های موجود در محل	۰/۰۱۵	معنی‌ندارد	۰/۰۸۴	معنی‌ندارد
رضایتمندی از محیط سکونت	رضایت از میزان دسترسی به خدمات شهری	۰/۰۲۱	معنی‌ندارد	۰/۰۳۴	معنی‌ندارد
	رضایت از آسایش	۰/۰۱۶	معنی‌ندارد	۰/۱۴۹	معنی‌دار و مثبت
	رضایت از سکونت در محله	۰/۰۱۰	معنی‌ندارد	۰/۲۷۳	بسیار معنی‌دار و مثبت
	رضایت از سرزندگی محله	۰/۰۳۴	معنی‌ندارد	۰/۰۷۹	معنی‌ندارد
	رضایت از تراکم در محله	۰/۰۵۹	معنی‌ندارد	۰/۰۴۲	معنی‌ندارد
رضایتمندی فردی	رضایت از مسکن	۰/۱۷۴	معنی‌دار و مثبت	۰/۲۰۳	بسیار معنی‌دار و مثبت
	رضایت از درآمد	۰/۱۸۱	معنی‌دار و مثبت	۰/۲۴۹	بسیار معنی‌دار و مثبت
	رضایت از شغل	۰/۰۸۷	معنی‌ندارد	۰/۲۳۰	بسیار معنی‌دار و مثبت
سرمایه اجتماعی	احترام به هنجارهای اجتماعی و بنیان‌های اخلاقی	۰/۰۳۹۴	بسیار معنی‌دار و منفی	۰/۰۸۳	معنی‌ندارد
	عضویت در انجمن‌های محلی	۰/۴۰۹	بسیار معنی‌دار و منفی	۰/۰۶۰	معنی‌ندارد
حس تعلق	حس تعلق	۰/۶۱۲	بسیار معنی‌دار و منفی	۰/۱۱۷	معنی‌دار و مثبت
	مسئولیت‌پذیری شهروندان در انجام امور محله	۰/۱۲۷	معنی‌دار و منفی	۰/۰۵۲	معنی‌ندارد

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

پایداری اجتماعی یکی از مفاهیم نوین در مبحث توسعه پایدار است که از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. البته با توجه به جدید بودن این مفهوم و نیز گستردگی آن در عرصه‌های مختلف شهری، تعریف دقیق و مشخصی در این زمینه موجود نیست. در این مقاله سعی شده با بررسی تعاریف مختلف، مدلی جهت سنجش میزان پایداری اجتماعی در محلات شهری ارائه شود.

پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مشخص شد که عوامل پایداری اجتماعی که از مبانی نظری استخراج شده‌اند، در محله شادآباد در سطح پایینی قرار داشتند. در نتیجه، سطح پایین پایداری اجتماعی در محله را تأیید می‌کردند که تنها عامل دسترسی به خدمات و امکانات شهری است و در محدوده مورد مطالعه تأثیر چندانی نداشت و از این نظر با مدل ارائه‌شده، متفاوت است. عواملی نظیر سرمایه اجتماعی، کنش متقابل، کیفیت زندگی و حس تعلق، همگی عواملی هستند که با توجه به چارچوب نظری و هشت ویژگی پایداری اجتماعی مطرح شده و در برستول ۲۰۰۶ جزء عوامل تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی بوده که در محله مورد نظر در سطح پائینی قرار داشته‌اند. در نهایت، دو عامل مهاجرت و فقر که در مدل

به آن‌ها اشاره نشده است نیز به‌عنوان عوامل زمینه‌ای معرفی شدند؛ زیرا بعد از بررسی محدوده مورد مطالعه مشخص شد که این دو عامل اگرچه تأثیر مستقیم بر پایداری اجتماعی ندارند، اما تأثیر بسیاری بر میزان شاخص‌های معرفی شده دارند؛ بنابراین، همبستگی آن‌ها با شاخص‌ها نیز بررسی شدند. توان اقتصادی همواره یکی از عوامل مؤثر بر رفتارهای هنجارشکنانه افراد است و در این مورد رفیع‌پور در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که عوامل نابرابری اجتماعی و توان پایین اقتصادی افراد، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نابهنجاری‌های اجتماعی در شهر تهران است. توسلی نیز در سال ۱۳۸۲ در پژوهشی در شهر کرج نشان داد که مهاجرت تأثیر مستقیمی بر میزان انحراف و انومی جامعه دارد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان‌دهنده این است که مهم‌ترین عامل در پایین بودن سطح پایداری اجتماعی در محله شادآباد میزان پایین کنش اجتماعی در بین افراد محله است. پس از آن نارضایتی از محیط مسکونی و پایین بودن رضایتمندی افراد نسبت به مسکن، شغل و درآمد خویش عوامل مؤثری هستند. همان‌طور که یوهیان و اورز در سال ۲۰۰۵ اثبات کردند که سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم با پایداری جامعه دارد. در محله شادآباد نیز سطح پایین سرمایه اجتماعی در بین شهروندان جزء جدانشدنی در مبحث پایداری اجتماعی محسوب می‌شود. در این مورد، پوتنام در ایتالیا در سال ۱۹۷۰ به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی بالاتر نواحی شمالی در دوره‌های زمانی مختلف، زمینه‌ساز توسعه یافتگی بیشتر این نواحی شده است.

گلیرز، لایسون و سارودت در سال ۲۰۰۰ در مطالعات خویش به این نتیجه رسیدند که تعلق خاطر افراد به محیط و طول اقامت آن‌ها بر پایداری اجتماعی در سطح محلات تأثیرگذار است. در محله شادآباد نیز حس تعلق، پنجمین عامل تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی معرفی شد.

از جدول همبستگی نیز می‌توان نتیجه گرفت که دو مؤلفه مهاجرت و توان اقتصادی تأثیر بسیار زیادی بر متغیرهای پایداری اجتماعی در محله شادآباد دارد؛ به طوری که مهاجرت در سه عامل کنش اجتماعی، سرمایه اجتماعی و حس تعلق ارتباط معنی‌دار را نشان می‌دهد و توان اقتصادی نیز در عامل رضایتمندی فردی معنی‌دار است.

درنهایت، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دو مؤلفه مهاجرت و توان اقتصادی در بافت‌های پراکنده روی شهری در محله شادآباد، از عوامل زمینه‌ای و بنیادی در پایین بودن سطح پایداری اجتماعی است که زمینه‌ساز کاهش کنش اجتماعی و انگیزه کم برای شرکت در فعالیت‌های جمعی درون محلی است.

منابع

۱. پورطاهری، مهدی، سجاسی قیداری، حمدالله و طاهره صادقلو، ۱۳۸۹، *سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده)*، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۳۱.
۲. حاج یوسفی، علی، ۱۳۸۵، *کیفیت زندگی و راهبردهای اصلاحی، نشریه دهاتی، شماره ۲۸، صص ۳۱-۳۷.*
۳. مشکینی، ابوالفضل، برهانی، کاظم و رضا شعبان‌زاده نعیمی، ۱۳۹۲، *تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری (مورد مطالعه: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)*، جغرافیا، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۱۸۶-۲۱۱.
4. Association for the Conservation of Energy (ACE), 2004, **Energy efficiency in the Commercial sector**, ACE.
5. Adler, P. S., and Kwon, S., 2002, **Social capital: Prospects for a New Concept**, The Academy of Management Review, Vol. 27, No. 11, PP. 17- 40.
6. Bevir, M. and Rhodes, R.A.W., 2003, **Searching for Civil Society: Changing Patterns of Governance in Britain**, Public Administration, Vol. 81, No. 1, PP. 41- 61.

7. Bloom, P. N. and Gundlach, G.T., 2001, **Handbook of Marketing and Society**, Sage, Los Angeles.
8. Borton, E., 2000, **The Compact City: Just or Just Compact? A Preliminary Analysis**, Urban Studies, Vol. 37, No. 11, PP. 1969- 2001.
9. Bramley, G. et al., 2006, **What is 'Social Sustainability' and How do our Existing Urban Forms Perform in Nurturing it?**, Paper presented at the Sustainable Communities and Green Future Conference, Bartlett School of Planning, University College London, London.
10. Brohman, J., 1996, **Popular Development: Rethinking the Theory and Practice of Development**, Oxford, Blackwell Press.
11. Brundtland Commission, 1987, **Our Common Future, World Commission on Environment and Development**, New York.
12. Bryden, J., 2002, **Rural Development Indicators and Diversity in the European Union**.
13. Cento Bull, A., Jones, B., 2006, April, **Governance and Social Capital in Urban Regeneration: A Comparison Between Bristol and Naples**, Urban Studies, Vol. 43, No. 4, PP. 767- 786.
14. Coleman, J. S., 1988, **Social Capital and the Creation of Human Capital**, American Journal of Sociology, 94 (Supplement), Vol. 94, PP. S95- S120.
15. Coleman, J. S., 1990, **Foundations of Social Theory**, Cambridge, MA: Belknap Press.
16. DFID, 2002, **Indicators for Socially Sustainable Development**, <http://www.livelihood.org/info/docs/wssd-indbr.pdf>.
17. Drakakis-Smith D., 1995, **Third World Cities: Sustainable Urban Development, 1**, Urban Studies, Vol. 32, No. 4-5, PP. 659-677.
18. European Commission, 2001, **A Framework for Indicators for the Economic and Social Dimensions of Sustainable Agriculture and Rural Development**, London.
19. European Council (EC), 2000, **Presidency Conclusions - Lisbon European Council**, 23 and 24 March 2000, Lisbon.
20. European Council, 2001, **Presidency Conclusions - Göteborg European Council**, 15 and 16 June 2001, Göteborg.
21. European Panel on Sustainable Development (EPSD), 2004, **From here to Sustainability Is the Lisbon/Goteborg Agenda Delivering**, EPSD Report, No. 1, 01-12
22. Font, X. and Bendell, J., 2002, **Standards for Sustainable Tourism for The Purpose of Multilateral Trade Negotiations**, World Tourism Organization.
23. Goodland, R., 2003, **Sustainability Human, Social, Economic and Environmental**, World Bank Washington DC, USA.
24. GTZ, 2004, **Chance for Sustainable Development**, Programme Office for Social and Ecological Standards.
25. Hogget, P., 1997, **Contested Communities: Experiences, Struggles and Policies**, Policy Press, Bristol.
26. Honey, M., 2001, **Certification Programmes in the Tourism Industry**, in Ecotourism and Sustainability, Industry and Environment, Vol. 24, PP. 3- 4, UNEP.
27. Kelly-Schwartz, A. et al., 2004, **Is Sprawl Unhealthy? A Multilevel Analysis of the Relationship of Metropolitan Sprawl to the Health of Individuals** Journal of Planning Education and Research December, Vol. 24, No. 2, PP. 184- 196.
28. Lantos, G., 2001, **The Boundaries of Strategic Corporate Social Responsibility**, The Journal of Consumer Marketing, Vol. 18, No. 7, PP. 595- 630.
29. Levy, M., 1996, **Social and Unsocial Capital: A Review Essay on Robert Putnam's Making Democracy World** Politics and Society, Vol. 24, No. 1, PP. 45- 55.

30. Littig, B. and Grießler, E., 2005, **International Journal of Sustainable Development**, Vol. 8, No. 1/2, PP. 65- 79.
31. Maignan, I. and Ferrell, O., 2000, **Measuring Corporate Citizenship in Two Countries: The Case of the US and France**, Journal of Business Ethics, Vol. 23, Issue 3, PP. 283- 297.

